آینه

بهار

زنجانی نورچشمی اصول‌گرایان بود

● **هدایت آقایی:** زنجانی هیچ ارتباطی نه به کارگزاران و نه به اصلاحات دارد. این اتفاق در دولت‌های نهم و دهم افتاده که او نورچشمی اصول‌گرایان بوده است؛ بنابراین اگر قرار باشد مردم قضاوت کنند می‌بینید که در کدام دولت این رانت‌ها بوده که اتفاق افتاده است. به افرادی که چنین صحبتی را مطرح می‌کنند، می‌گویم که آیا آقای احمدی‌نژاد به توصیه آقای هاشمی چنین رانت‌هایی را به زنجانی داده است؟ مگر غیر از این بود که آقای احمدی‌نژاد با زدن و مخالفت با آقای هاشمی، خودش را در دامن اصول‌گرایان انداخت و از آنها استفاده کرد؟ افرادی چنین داستانی را باور می‌کنند که هیچ اطلاعی از وضعیت کشور نداشته باشند، چراکه خیلی کودکانه است.

کیهان

حالا بگو ماشاءالله!

حسین شریعتمداری: دیروز گزارش کمیسیون ویژه بررسی برجام که اعضای آن را نمایندگان مجلس برگزیده بودند، در صحن علنی قرائت شد. این گزارش همان‌گونه که در مقدمه آن آمده است و مردم نیز در بسیاری از موارد، بی‌واسطه شاهد بوده‌اند «طی بیش از ۴۰ روز با برگزاری جلسات متعدد با تیم‌های مذاکره‌کننده هسته‌ای، مقام‌های مسئول عالی‌رتبه کشوری و لشکری، استادان دانشگاه و کارشناسان مختلف... مسئولان وزارت امور خارجه و سازمان انرژی اتمی، تأییدکنندگان و نقادان مرتبط و متخصصین و اندیشمندان... بازدید میدانی از مراکز هسته‌ای و... » تهیه شده است... با توجه به نقاط خطرآفرینی که در متن برجام و قطع‌نامه ۲۲۳۱ آمده است، به‌وضوح می‌توان نتیجه گرفت اجرای توافق وین و ملحقات آن، جمهوری اسلامی ایران را در بسیاری از عرصه‌ها مخصوصا؛ اقتصادی، امنیتی و علمی با فاجعه‌ای بزرگ روبه‌رو خواهد کرد، بنابراین تنها دو گروه می‌توانند با اجرای بی‌قید و شرط برجام موافق باشند. اول؛ کسانی که برای آینده نظام و مردم و فاجعه‌ای که در انتظار آنها خواهد بود، ارزش و اهمیتی قائل نباشند! بدیهی است در میان جریانات سیاسی کشور، غیر از اصحاب وطن‌فروش فتنه آمریکایی- اسرائیلی ۸۸، گروه دیگری را نمی‌توان با این مشخصات آدرس داد. دوم؛ کسانی که از محتوای توافق وین و پیامدهای خطرآفرین آن برداشت و شناخت دقیقی ندارند و با توجه به چالش ۱۲ ساله هسته‌ای و هزینه‌های جانبی آن برای کشور که تحریم‌های اقتصادی از با اهمیت‌ترین آنها بوده است، در این تصور- بخوانید خیال خام- به سر می‌برند که اجرای توافق وین و ملحقات آن می‌تواند ضمن پایان‌دادن به چالش ۱۲ ساله، برداشته‌شدن تحریم‌ها و عادی‌شدن شرایط را نیز به دنبال داشته باشد. انگیزه‌های این گروه برای موافقت با برجام، مصلحت‌اندیشانه است ولی به دلیل کم‌اطلاعی از ماجرا، به این واقعیت تلخ توجه ندارند که اجرای برجام آن‌گونه‌که تدوین شده است، نه فقط خواسته‌های آنان را تحقق نمی‌بخشد، بلکه ده‌ها مشکل فاجعه‌آمیز دیگر هم بر آن می‌افزاید. افرادی از این گروه را می‌توان در دولت محترم و برخی از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی مشاهده کرد.

قانون

یوم‌الحساب بابک زنجانی و آزمون برای دستگاه قضا

سیدعلی میرباقری: ماجرای زنجانی از غیرشفاف‌بودن برخی دخل و خرج‌های مالی دولت در بودجه و شفاف‌نبودن گردش خزانه قابل فهم بود. بنابراین انتظار می‌رود مجلس، دولت و نهادهای نظارتی شرایط را برای برخورد با کسانی که حامی و هادی فساد مالی و اداری در کشور بودند، فراهم کنند تا دیگر شاهد این رخدادهای ناگوار در نظام جمهوری اسلامی نباشیم. اما به‌هرحال امروز یوم‌الحساب بابک زنجانی است و باید از قوه قضائیه به خاطر جدیت در رسیدگی به پرونده این فرد تشکر کرد و این سؤال را از دستگاه قضایی پرسید که چه زمانی نوبت به محاکمه همدستان، حامیان و هدایت‌کنندگان بابک زنجانی می‌رسد؟ و از مجلس و دولت هم سؤال کرد آیا باز هم جامعه ایران باید تاوان و هزینه‌های غیرسیستمی و غیرکارشناسی عملکرد چنین دستگاه‌هایی را بدهند؟!

آفتاب

احمدی‌نژاد ارزشش را دارد؟

علیرضا کریمی: متأسفانه هنوز هم هستند کسانی‌که تلاش دارند القاء کنند که آنچه در دولت فوق اتفاق افتاده محصول عملکرد این دولت نبوده بلکه تماما زاییده دولت‌های پیشین از جمله اصلاحات و سازندگی و یا نتیجه نابخردی عده‌ای قلیل در دولت قبلی بود نه کلیت آن. این در حالیست که تمام شواهد و قرائن نشان می‌دهد آنچه در دولت قبلی رخ داد سلسله‌ای از اقدامات عجیب، هزینه‌ساز، ناپخته و غیرعلمی و بعضا مشکوک علیه منافع ملت بوده است... به‌هرحال در عالم سیاست شرایط اقتضا می‌کند که اکتورهای سیاسی تا حد ممکن بر سر حرف‌های خود بایستند و تا جایی که مقدور است از اعتقادات خود عقب‌نشینی ننمایند مگر اینکه منافع ایجاب کند نرمشی نشان دهند. این را گفتم تا به مسئولان نشریه سابقا عصر گوشزد نمایم واقعا و انصافا احمدی‌نژاد آنقدر ارزشش را ندارد که این‌گونه شأن نشریه و الفبای روزنامه‌نگاری را زیر سؤال ببرند تا به سرمنزل مقصود برسند؟



عکس: امیر جدیدی، شرق

ابراهیم اصغرزاده در تحلیل چالش‌های پیش‌روی توافق هسته‌ای هشدار داد

خطر بازگشت ورژن‌های گوناگون پوپولیسم

مرجان توحیدی

تحصن غیرقانونی آنها که مخالف برجام بودند، پایان یافت، اما این پایانی بر تحرکات گروه‌های تندرو نخواهد بود؛ چراکه آنها هم‌زمان با روی‌کارآمدن دولت روحانی، حساسیت مضاعفی به موضوعات سیاست خارجی پیدا کردند؛ آن‌قدر که با هر حرکت تیم سیاست خارجی، به خیابان می‌ریزند و شعار می‌دهند. گاهی هم در سفارت سابق آمریکا نشست برگزار می‌کنند. با ابراهیم اصغرزاده، یکی از دانشجویانی که روزگاری از دیوار همین سفارت بالا رفته؛ به گفت‌وگو نشستم، دانشجویی که عضوی از جمعی بود یکی از ستون‌پایه‌های سیاست خارجی ایران پس از انقلاب بود و در زمان خود پشتیبانی خیابانی مردم را هم پشت سر داشت. حالا بعد از ۳۷ سال عده‌ای قصد دارند در هر مناسبتی سیاست خارجی را خیابانی و از آن حرکت انقلابی گرته‌برداری کنند. گروهی که دیدگاه‌شان در سیاست خارجی در آخرین انتخابات تنها پشتیبانی چهار میلیون نفر را برانگیخت، درصدد تحمیل نظر خود به اکثریت هستند. بااین‌حال ابراهیم اصغرزاده معتقد است اگر دولت راهبرد مشخصی برای تثبیت دستاوردهای توافق هسته‌ای نداشته باشد، بازی را خواهد باخت. او می‌گوید: تردید نکنید امکان بازگشت ورژن‌های گوناگون پوپولیسم وجود دارد؛ یعنی این‌گونه نیست که بگوییم با انتخابات ۹۲ از پوپولیسم احمدی‌نژادی یک گسست قطعی داشته‌ایم و دیگر به آن تن نخواهیم داد.

سال ۵۸ مهم‌ترین تصمیم سیاست خارجی کشور که تسخیر سفارت آمریکاست، با حمایت مردم در کف خیابان عملیاتی می‌شود، اما الان که در یک برهه حساس دیگر، باز هم عده‌ای در تلاش‌اند با استفاده از نیروهای خیابانی نظر خود را بر اکثریت تحمیل کنند، اما مردم برخلاف سال ۵۸ با آنها همراهی ندارند. دلیل این اتفاق چیست؟

به این می‌گویند گروه فشار. پیدایش گروه‌های فشار در خیابان خودش نوعی سیاست‌زدایی از جامعه و ترساندن مردم از هر نوع تغییر در وضع موجود است. اینکه عده‌ای خاص با ادعای دفاع از ارزش‌ها، با لجستیک و پشتیبانی مالی و معنوی دست‌های پشت پرده، به خیابان کشانده شوند، اسمش را هرچه بگذارند انقلابی‌گری یا دفاع از انقلاب نیست. حالا که نظام مجلس، دولت، سیستم قدرتمند قضائی و تثبیت شده دارد، جلو و عقب‌کردن نیروهای «خودجوش» به معنای تجاوز به حقوق دیگران است. در نظام ما نیازی به نمایش تعداد هوادار نیست؛ زیرا در هر انتخاباتی نظر مردم در تداوم یا اصلاح سیاست‌ها اعمال می‌شود. البته در هر انقلابی تا سال‌ها بعد سیاست در کف خیابان جابه‌جا می‌شود. اینکه بخش‌های وسیعی از مردم به دلیل نگرانی از دیده‌نشدن یا ازدست‌دادن دستاوردهای جنبش خود، دست به اعتراض و کنشگری خیابانی بزنند، واکنشی طبیعی است، اما اگر این کار تبدیل به سنت شود، عارضه‌ای است که باید به‌سرعت علاج شود. شاهد مثال من اتفاقی است که با بالارفتن از دیوار سفارت انگلیس در سال ۹۰ به وقوع پیوست و عده‌ای خواستند ماجرای اشغال سفارت آمریکا در چند دهه قبل را کورکورانه تقلید کنند. اقدام دانشجویان در ابتدای انقلاب بازتاب نگرانی اکثریت توده انقلاب‌کرده و حرکتی طبیعی در واکنش به احتمال بازگشت شاه و مداخله بیگانه‌ها در امور داخلی بود و دیدید چگونه با استقبال و حمایت گسترده تمامی اقشار جامعه، از روشنفکر و غیرروشنفکر، مواجه شد، ولی اشغال سفارت انگلیس در زمانی که نظام تثبیت شده و چیزی امنیت کشور را تهدید نمی‌کرد، از طرف اکثریت مردم نوعی کارشکنی در امور جاری تلقی شد و دیدید چگونه با کم‌محلی و بی‌توجهی عموم مواجه شد. اینجا این سؤال طرح می‌شود که آیا گروه‌های فشار میراث‌خوار آن گذشته انقلابی‌اند؟ چطور عده‌ای که از نظر شغلی و شناسنامه‌ای، وابسته به جریانات مشخص اجتماعی نیستند، حق پیدا می‌کنند روی اعصاب جامعه راه بروند و نظم موجود را برهم بزنند؟ نمونه‌های زیادی در این سال‌های اخیر داریم؛ از لنگه‌کفش پرت‌کردن به طرف به وزیر خارجه کشور در فرودگاه تا پرتاب‌کردن سنگ و مهر به رئیس مجلس و... . ظاهرا فلسفه اینها آن است که می‌خواهند بگویند بخش‌هایی از جامعه که انقلابی هستند، اعتراض دارند، اما می‌بینید از سوی افکار عمومی این کارها نوعی توهین به مقررات کشور است. متر و معیار انقلابی‌بودن؛ تولیدکردن، صبرکردن و تحمل‌کردن است، نه این روش‌های زمان گذشته. جامعه اینها را میراث گذشته انقلابی نمی‌داند و با خودش می‌گوید حتما منافعی یا دست‌هایی در کار است که می‌خواهد سیاست‌مداران و تصمیم‌گیران را بترساند و اجازه ندهد براساس منطق و کارشناسی تصمیمی گرفته شود. همه اینهایی که جلوی مجلس تحصن کرده بودند، می‌دانستند دولت روحانی بدون هماهنگی با مقامات عالیه کشور اقدامی نمی‌کند، حتما دلواپسان رسمی هم می‌دانند که دولت آقای روحانی و وزرات خارجه او، نه قادر است و نه تمایل دارند که در کشور حاکمیت دوگانه ایجاد کنند. کجای دنیا تصمیم‌گیری راجع به جزئیات یک مذاکره بین‌المللی را به اراده گروه‌های فشار در خیابان می‌سپارند؟

انتخابات ۹۲ بیشتر رفراندوم هسته‌ای بود؛ دو جریان شکل گرفته بود. جبهه جلیلی و جبهه روحانی. حالا که وزن هرکدام روشن شده، چرا برخی همچنان تلاش می‌کنند که با حضور خیابانی موج ایجاد کنند؟

اینکه مخالفان کارشکنی می‌کنند چیز جدید و غیرعادی نیست. خب کارشان همین است. نیروی مخالف همیشه دنبال نقاط ضعف می‌گردد تا بگوید رأی‌دهندگان اشتباه کرده‌اند به رقیبش رأی داده‌اند. دولت نباید این بهانه را به مخالفان بدهد. متأسفانه دولت قوه ابتکارش را از دست داده است. مجموعه دولت دارای ضعف در استراتژی و تاکتیک‌های متناسب با آن است. به نظر من ضعف استراتژی دولت آقای روحانی روزهای آینده نیز تشدید خواهد شد. ممکن است در دوران اجرای توافق هر روز با یک مشکل مواجه شویم چراکه دولت فاقد راهبرد روشن است درحالی‌که مخالفان دارای ستاد و تشکیلات و بودجه‌های چند میلیاردی هستند. در این مقطع زمانی مردم توقع تصمیمات مهم، تغییرات بنیادی در مناسبات خارجی و اصلاحات جدی‌تر در اقتصاد کشور را دارند. این در حالی است که دولت آقای روحانی کشش و آمادگی لازم را برای هضم چنین تغییراتی پس از توافق نهایی هسته‌ای ندارد. اگر مثلا همین منابع ارزی بلوکه‌شده ایران آزاد شود به ریال تبدیل شود یا به سمت واردات اجناس مصرفی جریان یابد در این وانفسای رکود تولیدی دچار بیماری هلندی خواهیم شد. درآمد داریم نمی‌دانیم کجا خرجش کنیم. تازه فساد اداری و اقتصادی هم داریم که به استناد گزارش سازمان‌های بین‌المللی و به گواه دستگاه‌های نظارتی داخلی در دولت قبل به‌شدت گسترش یافته بود و چهره‌ای مخدوش از اخلاق در جامعه انقلابی ما مقابل چشم جهانیان قرار داده بود. فساد اداری با سیستم فاسد اقتصادی ارتباط دارد. فساد زندگی قانونمند را دستخوش تباهی کرده و مناسبات ناسالم را به قاعده رسمی تبدیل می‌کند. مردم در انتخابات ۹۲ دنبال تغییر این وضعیت بودند؛ خب دولت آمد، همه چیز را به مسئله اتمی گره زد. این‌گونه نیست که ما بگوییم مردم در رفراندوم ۹۲ تنها دنبال حل یک گره از مشکلاتشان بودند. مردم همیشه دلشان می‌خواهد فساد ریشه‌کن شود. اقتصاد رونق داشته باشد، بی‌کاری نباشد و تورم کاهش یابد و خلاصه شاخص‌های اقتصاد کلان بهبود پیدا کند؛ ولی خب دولت نتوانست در مبارزه با فساد اقتصادی از ثمره انتخابات ۹۲ استفاده کند و دستاوردهای آن را تثبیت کند. دیدید بلافاصله در ثبت‌نام، چیزی بالای نود و چند درصد مردم برای اخذ یارانه ثبت‌نام کردند. منظورم این است که دولت نتوانست آن جنبشی را که در انتخابات سال ۹۲ شکل گرفت، سازمان بدهد. ۷۳ میلیون نفر خلاف میل دولت رفتند ثبت‌نام کردند و پای ورقه‌ای را امضا کردند که بگویند مستحق دریافت یارانه‌اند. می‌خواهم بگویم انتخابات ۹۲ رفراندومی بود برای بهبود و تغییر در همه حوزه‌ها. بیشترین نمودش هم در اقتصاد و سلامت اخلاقی جامعه است. به همین دلیل است که تندروها اخیرا علاوه بر توافق هسته‌ای تمرکز کرده‌اند بر مسائل اقتصادی و معیشتی مردم. وقتی قدرت خرید مردم کاهش می‌یابد، تمام خانواده‌های ایرانی، از دارا و ندار درگیر آن می‌شوند. برعکس موضوعاتی مانند حقوق‌بشر، حفظ محیط‌زیست یا دموکراسی که اصلاح‌طلبان بر آن تأکید می‌کنند، اینها شاید اولویت نخست اکثریت محروم جامعه نباشد و خیلی‌ها آن را لوکس و کلیشه‌ای بدانند.

بعید است برجام در کوتاه‌مدت بر اقتصاد خانوار تأثیر بگذارد.

روحانی بهتر از ما می‌داند که فساد در اقتصاد دلالی و رانتی نهفته است. اگر منابع آزادشده برود در کیسه آن بخش از اقتصاد و سر اقتصاد مولد بی‌کلاه بماند، بنابراین می‌بینید یک فرصت اقتصادی به‌راحتی می‌تواند تبدیل به یک چالش شود. اگر روحانی تکلیف دولتش را با بنگاه‌های زیرزمینی و بخش نظارت‌گریز اقتصاد روشن نکند، مطمئن باشد سهم شیر آنها در دوران بعد توافق بیشتر از بقیه ملت خواهد شد. فساد در پایان دولت احمدی‌نژاد به جایی رسید که نوعی شوق غارت در میان نوکیسه‌ها و نورچشمی‌ها ایجاد کرد. مال خودسازی، خویشاوندسالاری و نوچه‌پروری به سکه رایج تبدیل شد که حالا باید این دولت آن را جمع‌وجور کند. فساد دیگر محدود به اختلاس و بانک و قاچاق ارز و کالا نماند بلکه دامن دیگر حوزه‌ها را هم گرفت؛ از واردکردن اتومبیل‌های پورشه به‌جای دارو و موارد خلاف اخلاق دیگر. دولت درگیر پارادوکس دیگری هم هست و همین باعث شد در سال ۸۴ پوپولیسم احمدی‌نژادی رشد کند و آن تضاد انباشت سرمایه و نیروی کار است. تضاد میان رشد اقتصادی و رفاه عمومی به‌صورت هم‌زمان است. دولت روحانی هنوز برگ‌های برنده خود را رو نکرده است. دیگر نمی‌شود همه مشکلات را به گردن تحریم‌ها انداخت. باید دولت نقشه‌ای داشته باشد که وضعیت اقتصادی را تثبیت کند. باید یک تصویر واقعی به جامعه ارائه دهد که اولویت‌های اصلی چیست؟

تندروها با ورود به خیابان دور دستشان نیفتاده است؟

البته اقتصاد تکیده و آسیب‌دیده ایران که هم‌اکنون در درجه پایینی از شفافیت و سلامت قرار گرفته، تحمل شوک‌های سیاسی و دعواهای خیابانی را ندارد. البته بعضی‌ها می‌گویند خب دولت سهم شیر تندروها را بدهد تا ساکت شوند. معنی ندارد چون تابلو دولت اعتدالی است سهمی هم به «ضداصلاحات» بدهد یا تا ۵۰ درصد در ستیزه‌گری و ماجراجویی آنها هم شریک شود. به‌نظرم اگر دولت استوار نایستد و سهمی به رویکردهای ضداصلاحاتی بدهد قافیه را کامل خواهد باخت.

اما در اقلیت هستند، به نظر شما این اقلیت می‌توانند از این خلأ استفاده و نظر خود را تحمیل کنند؟

قبول دارم اقلیتی پرسروصدا هستند چون تریبون دارند. در تریبون‌های خاص دائم نگرانی این اقلیت را بازتولید می‌کنند. شبکه مویرگی نیز در حال بازتاب و بزرگ‌نمایی این نگرانی هستند. خوشبختانه آیت‌الله مکارم‌شیرازی به‌موقع موضع گرفت. به‌نظرم مراجع باید در این برزنگاه تاریخی ورود کنند و نگذارند گروه‌های فشار اراده خودشان را به آینده کشور تحمیل کنند.

یعنی در خلأ و در شرایط سکوت اکثریت، اینها می‌توانند نظر خودشان را تحمیل کنند؟

خب وقتی منافع ملی تا سقف منافع گروهی و فرقه‌ای تقلیل داده شود جای نگرانی وجود دارد. متأسفانه هم دولت و هم نیروهای حامی آن از داشتن تریبون محرومند تا بتوانند واقعیت توافق هسته‌ای را قاب‌بندی کنند و تصویر مثبت و غرورآفرینی از آن را نشان دهند. در ارائه تصویر مثبت از دستاورد دیپلماتیک دولت متأسفانه پس‌رفت داشتیم. شما برنامه منسجم اوباما برای فائق‌آمدن بر مداخلات جمهوری‌خواهان و آیپک را ببینید. تازه پاپ هم به‌عنوان رهبر کاتولیک‌های جهان پشت‌سر اوباما قرار گرفت. خب اینجا چی شد؟ وقتی اقلیتی در مجلس دائما در حال تحریک افکار عمومی هستند و تا آنجا پیش می‌روند که اتهام خیانت و جاسوسی به اعضای کابینه زده می‌شود، وقتی این موضوع آگراندیسمان و بزرگ‌نمایی می‌شود، بخش‌هایی از جامعه را ترس برمی‌دارد و امیدهای ایجاد شده را ناامید می‌کند. اینها همه با هم جمع می‌شوند و در ناخودآگاه جمعی جامعه رسوب می‌کنند که پس دستاورد دیپلماتیک دولت چندان مهم نیست. یک عده هم در این آب گل‌آلود ماهیگیری می‌کنند و شرایط برای موجی از پوپولیسم جدید فراهم می‌شود. راستش را بخواهید از این منظر معتقدم طبقه متوسط و دولت‌های میانه‌رو برآمده از آن معمولا ناپیگیر هستند یعنی نمی‌توانند مشکلات را به‌صورت قاطعانه حل‌وفصل کنند همه‌چیز استخوان لای زخم باقی می‌ماند که این باعث می‌شود یک جریان پوپولیستی دیگری بیاید و پرچمی را بلند کند و بگوید من ناجی توده‌ها هستم.

باید چه کاری کرد که جریان به دست اقلیت نیفتد؟

به‌نظر می‌رسد دولتمردان تصور می‌کنند اعتدال حاصل جمع جبری دو چیز زشت و زیبا یا چیزی بین خوب و بد است، یک مقدار اصلاح‌طلبی را با یک مقدار اصولگرایی قاطی می‌کنیم، می‌شود اعتدال! ۵۰ درصد صلح، ۵۰ درصد جنگ. درحالی‌که اعتدال شیوه‌ای برای اصلاحات قطعی است و لاغیر. اگر می‌خواهیم کشور توسعه پیدا کند روش اعتدالی در این میان پرهیز از ندانم‌کاری، افراط و هدردادن منابع ملی است. اعتدال یک حرکت آونگی و سینوسی خنثی نیست، بلکه اراده آهنین و نگاهی جدی به افق می‌خواهد. محتاج ممارست است. دولت یک برنامه برای گفتمان‌سازی آن باید داشته باشد. برای بسیج افکار عمومی طرح لازم است. اوباما را ببینید در مقابل آیپک و کمپین چندمیلیون دلاری صهیونیست و جمهوری‌خواهان چگونه با برنامه ایستاد. اوباما می‌دانست باید از دستاورد خودش در توافق، محکم و قاطعانه حمایت کند، این کار باید در ایران هم انجام می‌شد، ولی در ایران اوضاع دارد در جهت عکس پیش می‌رود.

این اقلیت می‌توانند فضا را از آن خود کنند؟

من جای دیگری هم گفته‌ام اگر دولت حواسش را جمع نکند حتی اگر سند شش دانگ کاخ سفید را هم قباله تندروها کند، باز آنها او را بدنام خواهند کرد، چون نانشان در آن است. نکته کلیدی در رفتار تندروها این است که اساسا می‌خواهند با این کارها رد گم کنند و آدرس غلط بدهند، آنها نمی‌خواهند مسئولیت وضعیت وخیمی را بپذیرند که کشور در دوران احمدی‌نژاد به آن مبتلا شد. دولت باید بجنبد اگر برای تثبیت دستاوردهای توافق هسته‌ای و اجرائی‌کردن آن برنامه نداشته باشد یا خودش را درگیر پاسخ‌گویی به شبهات اقلیت چهار میلیونی کند بازی را خواهد باخت. جامعه ایرانی به‌دلیل زیرساخت فرهنگی و مذهبی و فرهنگ ایلیاتی موجود نمی‌تواند با گذشته خود تسویه‌حساب قطعی کند، پس تردید نکنید امکان بازگشت ورژن‌های گوناگون پوپولیسم وجود دارد؛ یعنی گونه‌ای عوام‌فریبی که از همه چیز سوءاستفاده می‌کند. یعنی این‌گونه نیست که بگوییم با انتخابات ۹۲ نسبت به پوپولیسم احمدی‌نژادی یک گسست قطعی داشته‌ایم و جامعه به این رسیده است که به آن تن ندهد.

و نمی‌شود به نتیجه سال ۹۲ دل خوش کرد...

اگر دولت بتواند توافق را نهایی کند، انتخابات ۹۲ به ثمر نشسته است. وقتی امام خمینی قطع‌نامه ۵۹۸ را پذیرفت و از آن به‌مثابه جام زهر یاد کرد. وجدان جمعی ملت یکسره آن را توافق خوب و ضروری شناخت و با جنگ و پس‌لرزه‌های آن تسویه‌حساب قطعی کرد و برگ زرینی شد بر کتاب صلح‌طلبی ایرانیان و دستاوردهای آن توسط همه پاس داشته شد. بنابراین دولت روحانی هم باید موقعیت پساتوافق را مغتنم بشمرد و از موضع حفظ شأن و منزلت مردم ایران در دفاع از منافع و مصالح ملی و ارتقای امنیت ملی، این توافق را اجرائی کند و مهم‌تر اینکه به حالت نه جنگ نه صلح با غرب، خاتمه دهد.

برای جبران باید چه کرد؟

هم دولت و هم اصلاح‌طلبان باید شجاعت ورود به حوزه عمومی را داشته باشند. انفعال و کناره‌گیری از امر اجتماعی به ضرر آنهاست. دولت ناچار است برای حفظ مشروعیت خود و رضایت رأی‌دهندگان، کارآمدی خود را بهبود ببخشند. نهادهای مدنی، اتحادیه‌ها، شوراها، احزاب و مطبوعات همگی نه‌تنها در حفظ سلامت و نشاط اجتماعی و آسیب‌شناسی نقاط کور و ناکارآمد به دولت کمک می‌کنند، بلکه فعالیتشان در عمل به تقویت بدنه، گسترش پایگاه اجتماعی دولت و بسط رضایت عمومی می‌انجامد. متأسفانه آن وجه از استراتژی دولت برای حفظ و بسط «سازمان رأی» دولت روشن نیست.

یعنی آنها هم بروند جلوی آن یکی دِر مجلس تحصن کنند؟

امر اجتماعی یا سیاسی که فقط درگیری فیزیکی یا اعتراض خیابانی نیست، همین که با روی‌کارآمدن آقای روحانی شکاف دولت و ملت کاهش پیدا کرد، خودش زمینه را برای مشارکت و ورود قانونی بیشتر در سیاست فراهم می‌کند. امید به آینده و خوش‌بینی فراگیر به دولت در جامعه‌ای که بی‌اعتمادی به دولت سنت است فرصت ارزشمندی در اختیار دولت قرار داد تا این شکاف اطلاعاتی را پر کند و اعتماد مردم را به گزارش‌ها و اطلاعات دولت جلب کند. متأسفانه دولت قبلی رسما به مردم دروغ می‌گفت و در آمار و ارقام دست می‌برد. دولت روحانی باید از مخفی‌کاری و تصمیم‌گیری پشت درهای بسته بپرهیزد و با انتشار اطلاعات و تسهیل دسترسی شهروندان به آن، فرصت برابر و عادلانه را برای همگان ایجاد کند. خاستگاه روحانی اگر اصولگرایی میانه‌رو است ولی پایگاه اجتماعی‌اش طبقه متوسط و گروه‌های اصلاح‌طلب شهری هستند. پایگاه اجتماعی دولت باید احساس کند که در این دولت اگر جامعه مدنی تقویت نمی‌شود لااقل موجبات تضعیف آن هم فراهم نمی‌شود.

وقتی تریبون ندارند چه باید بکنند؟

تریبون خلق کنند. مگر الان دولت در فضای مجازی دست بالا را ندارد؟ روحانی تنها رئیس قوه مجریه نیست بلکه او رئیس‌جمهور است. تازه به نظر من آقای روحانی نیازی به تریبون متفاوت ندارد. کافی است او به‌عنوان مجری قانون اساسی و دومین مقام عالی کشور همه دستگاه‌ها را به بی‌طرفی و رعایت مر قانون ملزم کند. روحانی در مرحله اول باید زمینه حضور همه گروه‌ها و جریان‌های سیاسی را در دو انتخابات پیش‌رو فراهم کند. اگر روحانی به شعارهای انتخاباتی خود پایبند بماند، اصلاح‌طلبان به نتیجه مطلوب خواهند رسید. اساسا اصلاح‌طلبی یعنی تکیه بر قانون و پرهیز از فرارهای فراقانونی. افکار عمومی پیروزی آقای روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ را حاصل شکست استراتژی راست افراطی در تزریق رعب و ترس به جامعه می‌دانند. سقف پرواز تندروهای سیاسی چهار میلیون رأی است. استراتژی دولت و حامیانش در دو انتخابات پیش‌رو باید اهتمام بر ممانعت و جلوگیری از بازگشت افراطیون باشد. دولت نباید به نیروهای ضددموکراسی باج بدهد.

یعنی شما معتقدید، ما مشکل تریبونی نداریم. اما، نوعی انفعال یا عدم وجود یک گفتمان وجود دارد؟

بله. اگر دولت نتواند گفتمان لازم را برای سیاست‌های اعتدالی خود فراهم کند و نتواند بین بقا و پیشبرد برنامه‌هایش توازن منطقی ایجاد کند، قدرت چانه‌زنی‌اش به صفر خواهد رسید. اصلاح‌طلبان هم نباید منتظر انتخابات باشند که بگویند ما خوبیم و مردم به ما رأی بدهید و انتظار هم داشته باشند که مردم هم به آنها رأی بدهند. باید وارد عرصه گفتمان‌سازی شوند. بدون یک گفتمان بسیج‌کننده و مبتکر بی‌مایه فتیر خواهد بود. تازه دغدغه اصلی اصلاح‌طلبان گفتمان یا غیرگفتمانی‌بودن اندیشه اعتدالی دولت هم نیست بلکه دلسردشدن سرمایه اجتماعی و ریزش سازمان رأی روحانی است که در آن‌صورت به روندهای اصلاحی و پراگماتیستی دولت لطمه خواهد خورد و پوپولیسم احساسی جان خواهد گرفت. راه علاج برپاکردن جنبش پرسشگری است.

فکر می‌کنید تندروهایی که الان در عرصه سیاسی هستند، ۳۰ سال بعد، نه ۱۰ سال بعد، ممکن است در جایگاهی قرار بگیرند که شما الان قرار دارید؟!

من از این سؤال برآشفته نمی‌شوم، چون اساسا معتقدم اصلاح‌طلبان وقتی موفق می‌شوند که نگاه انتقادی به گذشته خود داشته باشند. دلیل باقی‌ماندن‌شان در عرصه سیاسی نیز همین نگاه انتقادی به گذشته است.

اگر در دولت سازندگی یا اصلاحات سؤال می‌کردید که امکان دارد روزی کسی مثل احمدی‌نژاد بیاید، به شما می‌خندیدند؛ البته من جزء کسانی بودم که پیش‌بینی برآمدن او را می‌کردم و در مصاحبه‌ها گفتم و داد زدم که کم‌توجهی دوستان اصلاح‌طلب به اقتصاد، موجب قدرت‌یابی جریان مدعی حمایت از تهیدستان خواهد شد، الان هم می‌گویم که امکان بازتولید رادیکالیسم و بنیادگرایی را نباید دست‌کم گرفت.

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

اعتماد ملی

● مقام معظم رهبری: علاج دردهای کشور در پیشرفت علمی است
● [رئیس دولت اصلاحات]: با جنگ تریبونی و شعار مشکلی حل نمی‌شودسه سال پیش پیشنهاد من، مشارکت فرانسه‌ایران‌روسیه در موضوع غنی‌سازی اورانیوم بود
● رئیس سازمان زندان‌ها: ۵۰ هزار نفر در ماه، زندانی می‌شوندبرخی بازداشتگاه‌ها خارج از اختیار سازمان زندان‌ها عمل می‌کنندمسئولیت سایر بازداشتگاه‌ها را نمی‌پذیریم
● آزادگان به چین می‌رسد؛ پایان یک رفاقت ژاپنی
● نمایندگان مجلس تأکید می‌کنند؛ دولت متهم اصلی گرانی‌ها

اطلاعات

● بیستمین سفر استانی رئیس‌جمهوری به فیروزکوه و دماونددر صدر همه فعالیت‌ها، باید برای رفع بی‌کاری جوانان و ایجاد اشتغال برای آنان تلاش شودملت ایران هرگز تحمیل را نمی‌پذیرد
● شورای امنیت خواستار توقف آزمایش هسته‌ای کره‌شمالی شد
● طرح استفاده از ماهواره در کمیسیون فرهنگی مجلس تصویب شدطبق این طرح صداوسیما موظف است حداکثر تا شش ماه پس از تصویب این قانون با راه‌اندازی حداقل سه شبکه تلویزیونی به پخش برنامه‌های ماهواره‌ای اقدام کند
● سخنان رئیس‌جمهوری در شورای سیاست خارجی آمریکا؛ فلسطین نباید بهای هولوکاست را بپردازداگر واقعه‌ای تاریخی تحت عنوان هولوکاست رخ داده، چرا اجازه نمی‌دهند گروه‌های بی‌طرف در مورد آن تحقیق کنند؟
● ژاپن دیگر مجری طرح میدان نفتی آزادگان نیستسهم شرکت ژاپنی از ۷۵ درصد به ۱۰ درصد رسید

اعتماد

● «ثمره هاشمی»، رئیس ستاد انتخابات کشور شد
● تصمیم‌گیری ۱+۵ درباره پرونده ایران به تعویق افتاد
● به دستور وزیر علوم؛ ۵۰ دانشجوی ستاره‌دار ثبت‌نام می‌شوند
● [رئیس دولت اصلاحات]: زمان دفاع از اسلام و ایران است
● برای دومین دوره پیاپی؛ حسین انتظامی نماینده مدیران مسئول مطبوعات در هیأت نظارت شد
● ارائه قلیان در ماه رمضان ممنوع شد؛ طرح ممنوعیت استفاده از قلیان همچنان در دست‌انداز
● ژاپنی‌ها رفتند، داخلی‌ها هستندژاپن با ازدست‌دادن پروژه آزادگان، شکست بزرگی را متحمل شد

جمهوری اسلامی

● رئیس‌جمهور در اجتماع مردم دماوند: به تحریم عادت کرده‌ایم، ذره‌ای عقب‌نشینی نمی‌کنیم
● آیت‌الله جنتی در جمع کارکنان شورای نگهبان: افزایش گرانی‌ها در ماه مبارک رمضان، مردم را کلافه کرده است
● مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران: توسعه میدان نفتی آزادگان به پیمان‌کاران داخلی واگذار شد
● فرمانده ناجا: عملیات انسداد مرزهای کشور تا آخر پاییز پایان می‌یابد
● مدیرعامل بانک خصوصی پارسیان به دلیل عدم رعایت مقررات سلب صلاحیت شد

رسالت

● وزیر خارجه روسیه در آستانه نشست ۱+۵: اعمال تحریم‌ها علیه ایران غیرسازنده و اقدامی افراطی است
● سولانا: حتی اگر مذاکرات شکست بخورد، گفت‌وگوها با ایران باید ادامه یابد
● خوش‌چهره [نماینده مجلس]: تغییر ساعت کار بانک‌ها فعالیت اقتصادی را مختل کرده است
● رایس: از خاورمیانه آینده، به جای خاورمیانه جدید استفاده می‌کنیم
● مقام معظم رهبری در جمع اساتید و رؤسای دانشگاه‌های کشور: جایگاه ما در جهان علم راضی‌کننده نیست
● تظاهرات ضد جنگ در ۲۰۰ شهر آمریکا
● فرمانده نیروی انتظامی خبر داد؛ کاهش جرایم و تخلفات در ایران
● احمدی‌نژاد در اجتماع مردم فیروزکوه: اروپا فرصت مذاکره را قدر بداند

کیهان

● تعرفه واردات مرغ از ۲۵ درصد به صفر رسید
● بارش برف پاییزی در چند شهر کشور
● در آستانه انتخابات کنگره؛ تظاهرات ضد بوش ۱۲۰ شهر آمریکا را فرا گرفت
● قیمت آهن ۱۰ درصد کاهش یافت
● با تنهاماندن آمریکا و انگلیس؛ نشست ۱+۵ در لندن لغو شداجلاس لندن قرار بود ساعت چهار دیروز برگزار شود ولی ساعاتی بعد اعلام شد رایس و لاوروف، وزرای خارجه آمریکا و روسیه، به این اجلاس نخواهند رسید